

# وابستگی های بیمارگونه

## فرزندان و والدین

مقدمه

انسان از بدو تولد تا لحظه‌ای که چشم ار جهان می بندد بنحوی از انحاء وابسته می‌باشد و ایر " وابستگی " درطول سالیان زندگی اش در زمینه های مختلف تغییر و درمراحل "کمال" متحول، شده و به آگاهی استقلال و آزادی تبدیل می گردد. اگر این تغییر و تحولات در "وابستگی" صورت نگیرد آن تعداد از وابستگی ها با حالات قبلی و اولیه خود باقی می مانند و انسان را درمراحل "رشد" دچار ضعفهای گوناگون می کنند که ممکن است بطور موقتی و یا بصورت دراز مدت و دائمی ایجاد اختلالاتی درشخصیت، تفکر، روابط با دیگران و... غیره شود.

بعداز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نکته‌ای که مکررا " در ابعاد مختلف جامعه مطرح شده مسئله " وابستگی " درزمینه‌های مختلف نظیر وابستگی های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، صنعتی، علمی کشاورزی و... غیره می باشد که قبل از انقلاب ایجاد شده بود و پس از پیروزی انقلاب، رهائی از اینهمه وابستگی بعنوان یکی از عالی‌والاترین اصول انقلاب اسلامی قرار داده شد که همان " استقلال " و خود کفائی کشور می باشد. نکته بسیار مهمی که در وابستگی وجود دارد مسئله بی محتوا بودن واصلت نداشتن می باشد. صنعت و اقتصاد، کشاورزی و زمینه های دیگر وابسته ما بی محتوا بودن آنرا کاملا " بعداز انقلاب نشان داد و دولت‌های بیگانه استثمار گر و سلطه جوی غرب و شرق دقیقا " دراین امر نقش بسزائی داشتند و بطرق مختلف از شکوفا شدن استعدادها و خلاقیت‌های مردم کشورمان جلوگیری می کردند. اما بعداز پیروزی انقلاب اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها افرادی مومن و متعهد با تلاشی شبانه روری و ایثار جانهای پاک درصدد ایجاد حرکت‌هایی در رسیدن به استقلال و خودکفائی کشور برآمدند و بار دیگر ارزشهای عالییه اسلامی را به کالبد این‌جامعه وارد ساختند و انگیزه و روح دستیابی باستقلال و

و خود کفائی را در میان امت بپاخاسته زنده کردند .

باید باین نکته توجه داشت که جامعه‌ای می‌تواند به آن درجه از استقلال و آزادی و آگاهی و خودکفائی برسد که پایه‌ها و اساس آن جامعه نیز به درجه رشد و استقلال رسیده باشد . خانواده یکی از اساسیترین پایه‌های یک جامعه محسوب می‌شود . لذا وقتیکه فرهنگ عدم وابستگی و رشد در میان خانواده و اعضاء آن شکل‌گرفت در آن صورت می‌توانیم مطمئن باشیم که این امر بسیار مهم در خود کفا شدن و رسیدن به استقلال و دستیابی به اهداف عالی اسلام میسر می‌شود .

(بیمار) باوالدین ، خواهر و برادرشان بهمان صورت قبل از ازدواج باقی مانده بود . به نظر او این وضعیت باعث می‌شود که ساختار زندگی مشترک زن و شوهر جوان از یک ثبات و قدرت استقلال کافی برخوردار نباشد و در نتیجه دائما " مورد دخالت های دیگران واقع شود .

در تحقیق دیگری که یانگ و ویلموت در سال ۱۹۵۷ انجام دادند چنین نتیجه گرفتند که در موقع ازدواج ، والدین دختر و والدین پسر بایستی که در تغییر و تحولات تدریجی وابستگی های موجود میان خود و فرزندان کم کنند . بطوریکه کم کم وابستگیهای قبلی که با فرزندان جوان خود داشته‌اند به تدریج تغییر کند و بصورتی درآید که هرکدام از زوجین انرژیشان را صرف شناخت بیشتر شریک زندگی خود کنند تا زندگی مشترکشان از یک ثبات و استقلال و تفاهم کافی میان زوجین برخوردار شود .

در ضمن یکی از نتایج بدست آمده از تحقیق سراسری که در سال ۱۳۶۳ توسط اینجانب صورت گرفت همراه با مشاهدات بالینی بیماران روانی نشانگر ابعاد وسیع " وابستگی‌های مریضی " و عوارض ناشی از آنها می‌باشد . که نمونه‌هایی از آنها را مختصرا " در این مقاله ذکر خواهیم کرد .

برای رهایی از این زنجیره وابستگیهای بارث گرفته شده که در جامعه ما وجود دارد ، می - بایستی ابتدا درصدد شناسائی انواع وابستگی‌ها و سپس به بررسی چگونه بوجود آمدن و شکل‌گیری آنها و در نهایت به مطالعه ابعاد وسیع عوارض ناشی از این وابستگی‌ها بپردازیم . هدف از این مقاله تلاشی بسیار کوچک در بررسی " وابستگی مریضی " در خانواده می‌باشد .

در اینجا منظور بررسی آندسته از وابستگیهایی است که میان فرزند و والدین (خصوصا " فرزند و مادر ) در سنین کودکی و نوجوانی و جوانی ایجاد می‌شود و بجای اینکه در مراحل بعدی یعنی بزرگسالی تغییراتی در آن حاصل شود ، به همان صورت اولیه و یا گاهی اوقات شدیدتر باقی می‌ماند و مسائل مختلف را برای فرزند و خانواده و جامعه بوجود می‌آورد . اینگونه وابستگی‌ها را " وابستگی مریضی " می - نامیم .

فلک در تحقیقی که در سال ۱۹۶۰ در مورد نقش اختلالات خانوادگی در بیماران اسکیزوفرن انجام داد مشاهده کرد که میزان وابستگی‌های عاطفی و فکری زن و یا شوهر جوان و یا هر دو

(اینگونه "وابستگی های مرضی" فکری در میان بسیاری از اعضاء گروهکهای ضد انقلاب و بزهکار کاملاً "مشهود است".)

چهارمین نوع از "وابستگیهای مرضی" وابستگی های قومی است که بیشتر در میان خانوادههایی که متعلق به قومیت و یا قبیلههای مختلف می باشند دیده می شود که بدلائل مختلف، از آن جمله تحقیرات و تبعیضات نادانیها، خرافات و یا القائات قومی و یا قبیلهای و یا قومی - خانوادگی که از نسلهای گذشته به جای مانده است می توان نام برد. در این نوع از "وابستگی مرضی" یک حالت تعصب خشک و غیر منطقی در زمینههای قومی و یا قبیلهای، طایفه‌ای در میان هر دو جنس مذکر

شناسائی انواع "وابستگی های مرضی"

یکی از نتایج بدست آمده از تحقیق مذکور نشان داد که اغلب وابستگی‌های خانوادگی از نوع "وابستگیهای مرضی" شدید عاطفی مادر - فرزند و فرزند و فرزند - مادر می باشد. بطوریکه گاهی اوقات این نوع وابستگی آنقدر قوی بوده که هر کدام از طرفین دچار اضطرابات شدید و ناراحتی های عاطفی شده بودند.

وابستگی مالی دومین نوع از وابستگی ها است که در میان پسرها متداولتر از دخترها بوده بهمین جهت استقلال و ثبات زندگی فردی و یا زندگی زناشویی این فرزندان بخاطر دخالتها و یا القائات مختلف والدین مختل شده بطوریکه روابط در زندگی مشترک اینگونه فرزندان کاملاً "مغشوش می باشد".

سومین نوع از وابستگی های مرضی "وابستگی فکری می باشد که غالباً این وابستگیهای فکری در رابطه با مادر - فرزند و یا پدر - فرزند و در مواردی - فرزند می باشد. در اینجا منظور از رابطه x - فرزند آن مواردی است که فرزند بدلائل و علل مختلف منجمه وجود مسائل و اختلالات شدید خانوادگی و یا عدم تفاهم میان والدین در یک حالت بی - اعتمادی نسبت به والدین قرار می گیرد که در نتیجه یک مقاومت شدید نسبت به نوع طرز تفکر پدر و مادر خود پیدا می کند و آنرا قبول نمی - دارد و از آن گریزان می باشد. در این وضعیت فرزند الگوی فکری و عقیدتی خاصی را از خارج از محیط خانواده برای خود انتخاب می کند. ممکن است این انتخاب از اقوام، آشنایان دوستان و یا گروهها و احزاب مختلف باشد.



لذا با توجه به این تصور و بینش سعی در تحمیل خواسته‌های خود می‌کند. در اینجا بخاطر وجود کبر و تحمیل عقاید و خواسته‌های شخصی، بی‌عدالتی نسبت به دیگران صورت می‌گیرد بطوریکه حقوق دیگران برای اینگونه افراد، دیگر اهمیتی ندارد. در نتیجه بجای وحدت و ثبات، تفاهم و یکپارچگی در میان اعضاء خانواده و آشنایان و دوستان و غیره، نفاق، جدائی و بی‌اعتمادی رشد می‌کند. در این وضعیت فرزندان نیز مجبور می‌شوند که به یکی از دو قطب موجود کشیده شده و جذب در آن جریان شوند. شدت و ضعف این جاذبه نشان‌دهنده میزان وابستگی می‌باشد.

و مونت دیده شده است منتهای در میان پسرها بیشتر می‌باشد. از دواجهای درون قبیله‌ای را (قومی، طایفه‌ای) نیز می‌توان یکی از علت‌های بارز رشد این گونه وابستگی مرضی در میان بعضی از قبایل و یا اقوام شمرد.

### چگونگی بوجود آمدن وابستگی‌های مرضی

پس از بررسی و شناسائی بعضی از وابستگی‌های مرضی، حال بطور مختصر می‌پردازیم به بررسی و چگونگی ایجاد این وابستگی‌ها و بعضی از عوامل مختلفی که در شکل‌گیری آنها نقش بسزائی داشته‌اند.

### ۱ - اختلال در ساختار و فونکسیون (کنش) خانواده:

ب : عدم آشنائی زوجین با وظائف و مسئولیت مربوطه خود :

### الف : اختلافات طبقاتی :

منظور آن دسته از اختلافات است که مربوط به وضعیت خانوادگی و ارزشها و طرز تفکر و بینش هر کدام از خانواده‌های زوجین می‌باشد. وقتیکه بینش‌ها متفاوت است، شناختی که هر کدام از دیگری دارند بسیار ضعیف است و در موارد زیادی مشاهده شده است که حتی غیر واقع بینانه نسبت بیکدیگر عمل می‌کنند. بهمین جهت طرفی که از قدرت مالی، اجتماعی، یا عملی و . . . . غیره بیشتری برخوردار است (غالبا "ونه همیشه) دچار یک سری حالات خودبینی، خودمحوری و خودخواهی و کبر می‌شود (بعثت عدم رشد در امور خودسازی) و در نتیجه نزد خود چنین تصور می‌کند که بینش و طرز تفکر او غالب و بهتر است.

وقتیکه زندگی مشترک با توقعات و خواسته‌های غیر منطقی و خود ساخته آغاز می‌شود در نتیجه یک وضعیت نا هماهنگ‌گونه‌ای در زمینه وظائف اصلی هر کدام از زوجین ظاهر می‌شود که متعاقبا " منجر به اختلال در فونکسیون و کنش خانواده و نهایتا " دخالت‌های دیگران در زندگی مشترک می‌شود. نکته مهم دیگر اینست که بسیاری از مردم تصور می‌کنند که وظیفه مرد فقط بدست آوردن معاش روزانه و برآورده کردن نیازهای رفاهی خانواده است. در حالیکه نیازها و پشتوانه‌های عاطفی و فکری که او می‌تواند برای خانواده فراهم کند را نادیده گرفته و اهمیت چندانی به آن نمی‌دهند. وقتیکه شوهری نیازهای عاطفی و فکری و روحی همسرش را برآورده نکند، یا اینکه با حالتی بی تفاوت گونه از آنها بگذرد، آن خلاء

محیطهای مناسب و یا بعضی از عوامل نظیر مربی و معلم دلبسوز و یا دوستان و آشنایان خوب مسیر اصلی و صحیح رشد را پیدا کرده و سپس درصد خودسازی خود برآمدند .

#### د : اختلافات و درگیریهای خانوادگی :

وجود اختلافات شدید و درگیرهای سخت و جدائی ها در خانواده ، خصوصا " و قتیکه ایسن درگیریهها میان والدین باشد ، اثرات سوء بر روی هر کدام از افراد آن خانواده می گذارد . از آنجمله تزلزل و شکافی است که میان خانواده ایجاد و بنحوی باعث پراکندگی هر کدام از اعضاء می شود .

پس از اینکه ارتباطات میان اعضاء خانواده دچار صدمات و در نتیجه پراکندگیهایی شد هر کدام از اعضاء و یا قطب ها برای پرکردن خلاء های شخصی ، فکری ، عاطفی خود و یا ارضای خواسته های خویش دست به اقداماتی می زنند که از آنجمله :

۱ - والدین برای ارضای فکری ، روحی و عاطفی خود سعی می کنند که با آن فرزندی که وجوه مشترک بیشتری دارد او را جذب کنند (دسته بندی)

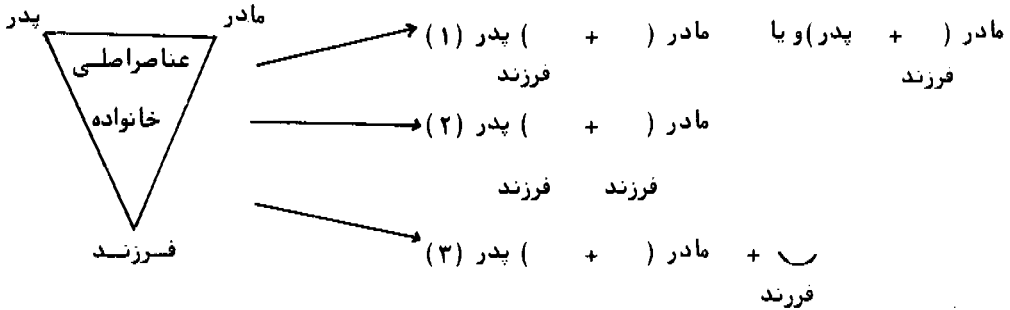
۲ - هر کدام از والدین برای کسب پشتوانه و برطرف کردن کمبودها و خلاء های عاطفی و روحی خود به نزدیکان و آشنایان خویش خصوصا " والدین خویش روی می آورند و غالبا " مشاهده شده است که این امر عواقب ناگواری نظیر جدائی ها و یا طلاق را بدنبال دارد .

۳ - شوهر برای ارضای کمبودهای عاطفی روحی خویش به سوی دوستان کشیده می شود که یکی از امتدادولترین راههای کشیده شدن بسوی

رادربسیاری از موارد مجبور می شود توسط فرزندان ، خانواده و یادوست و آشنا بکند همین امر باعث می شود که ضعف بزرگی در زمینه ارتباط میان زن و شوهر ایجاد و متقابلا " ، یک ارتباط عاطفی ، فکری ، روحی قوی میان همسر با فرزند و یا با والدین و یا با آشنایان و دوستان او رشد کند . این وضعیت زمینه اولیه ای برای وابستگی های شدید بعدی می باشد .

#### ج : بیسوادی و کم سوادی :

نداشتن اطلاعات و تجربیات مفید و کافی که ناشی از بیسوادی و یا نارسائی و یا عدم رشد شخصیتی بسیاری از والدین می باشد یکی از مهمترین عواملی است که در نارسائی و یا عدم رشد تربیتی - شخصیتی فرزندان نقش عظیمی را ایفا می کند . بدین ترتیب که اینگونه افراد تحت تاثیر بسیاری از نظریه ها و یا افکار عوام گونه و ناصحیح و غیر منطقی قرار می گیرند . بعنوان مثال مشاهده می شود که بسیاری از این افراد تصورات ناصحیح و غلطی را از بسیاری از امثال و حکم ها و غیره دارند . لذا این تصورات و ذهنیت های غلط و ناصحیح است که مبنای اساس فکری و رفتاری در کلیه امور زندگی شان را تشکیل می دهد . در نتیجه ، اینگونه والدین فرزندان خویش را نیز تحت تاثیر این شخصیت و افکار و حالات و رفتار رشد نیافته و غلط قرار می دهند که ساده ترین روش آن همان القائات و روشهای تحمیلی می باشد که به فرزندان خود منتقل می کنند که این امر وابستگی های فکری شدیدی را در فرزندان ایجاد می کند . البته مواردی هم مشاهده شده است که اینگونه فرزندان به علت متاثر شدن و قرار گرفتن در



فرزندان خود نمی کنند. بسیاری از ایمن فرزندان گزارش می دهند که آنها والدینشان را باهم می خواهند و نه بصورت تک تک جدا از یکدیگر. بخاطر همین نکته مهم است که در بسیاری از مواقع لجبازی، مخالفت ها و جبهه گیریهای بیمورد فرزندان در برابر والدین صورت می گیرد. از آنجا که خواسته های بحق این فرزندان بخاطر جنگ و ستیز دائمی والدین بایی تفاوتی والدین روبرو می شود فرزندان نیز برای جبران این وضعیت به افراد یا گروههای خارج از خانواده روی می آورند که نتیجتاً "منجر به وابستگی های فکری و روحی به دیگران و یا گروهها می شود. ذکر این نکته مهم است که درصد بالایی از اینگونه نوجوانان و یا جوانان در میان بیماران روانی، معتادین بزهکاران، مفسدین (اخلاقی، جنسی) و گروههای ضد انقلاب مشاهده می شوند.

ادامه دارد

دکتر ابوالقاسم فرشید فر



فساد اخلاقی، اجتماعی و جنسی می باشد.

۴ - زن برای ارضای کمبودهای عاطفی - روحی خویش به خیالیافی و رویا پروری پناه برده و در نتیجه از واقعیات دور می شود و بسا دنیائی از افسوس ها و اوامام خود زندگی می کند.

۵ - در مواردیکه رابطه زوجین بدلائل مختلف بسیار سرد شده باشد از آنجمله حالات بی تفاوتی و یا زور گوئی و استبداد و تحمیلات عقیده و غیره که از طرف شوهر باشد، زن نیز متقابلاً " در وضعیت کینه نوزانه ای قرار گرفته بطوریکه قوای عاطفی و ذهنی اش غالب بر جریانات فکری شده و نیز به افرادی نظیر دوستان و همسایگان و یا افرادی که خارج از محیط خانواده اش می باشند روی آورده و سعی می کند که خلاء های خویش را توسط آنان پر کند. در همین وضعیت است که در بسیاری از مواقع افرادی ناسالم و فاسد موقعیت را برای سوء استفاده مناسب دیده وزن را به فساد و انواع انحرافات می کشانند.

۶ - متأسفانه در بسیاری از مواقع که هر کدام از زوجین سعی در جلب توجه و جذب فرزندان را دارند هیچگونه تلاش مفید و سازنده ای برای درک و فهمیدن نیازهای